

استقلال و حفظ هویت ملی در بررسی تحلیل محتوای روزنامه جنگل ارگان جنبش میرزا کوچک خان

علی کریم حدیثی*

E-mail: alihadisi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۲

چکیده

رکن اساسی در بررسی یک جنبش اجتماعی، واریسی میزان هم‌خوانی مطالبات با اندیشه‌ها و ارزش‌های مورد اعتنای آن جنبش است. در این مقاله که بر جنبش میرزا کوچک خان در گیلان متمرکز است، به بررسی پیام اصلی روزنامه «جنگل»، ارگان اصلی جنبش، پرداخته شده و هدف آن بررسی این گزاره است که «جنبش میرزا کوچک خان بر استقلال کشور و حفظ هویت ملی و همبستگی و حمایت از پارلمان نوظهور در کشور و پادشاه مشروطه استوار بوده و جنگلیان در این راستا حرکت کرده‌اند». این تحقیق برپایه روش «تحلیل محتوا»ی همه شماره‌های موجود و در دسترس روزنامه فوق استوار است. سیر تاریخی حرکت میرزا با اشاره به نقش وی در حرکت‌های مردم گیلان در انقلاب مشروطه بررسی و به عوامل تکوین و استمرار جنبش پرداخته شده است. این تحقیق به اهداف تحقق نیافته خیزش مشروطه خواهی ایرانیان نیز اشاراتی دارد و اساساً آن را یکی از عوامل مهم پیدایش و تکوین جنبش جنگل دانسته است. نیز به آرای مختلف اندیشمندان جامعه‌شناسی سیاسی به‌طور اختصار پرداخته شده، با این توضیح که به نظر می‌رسد هیچ یک به تنهایی قادر به توضیح این جنبش نیستند. هر یک از آرا قسمتی از ماجرای جنگل را توضیح می‌دهد ولیکن جنبش جنگل در تکوین خود علاوه بر هم‌خوانی با مجموعه آرای متفکران جامعه‌شناسی، به زمینه‌های محلی به معنای خاص آن نیز تکیه داشته است.

کلید واژه‌ها: جنبش، استقلال‌طلبی، ملی‌گرایی، نهضت جنگل، میرزا کوچک‌خان.

مقدمه

تاریخ یک پدیده است و مانند هر پدیده دیگری ایستا و ثابت نیست و به یک تعریف، تاریخ روان است و جاری است. اگرچه خود مظلوف پدیده‌های دیگری می‌شود که آنها خود در تاریخ روان و جاری‌اند، سیال‌اند و در حرکت دائمی.

بدیهی است هیچ پدیده سیالی را نمی‌توان ایستا کرد و آن را وارسید، از زوایای مختلف در آن خیره شد، علت‌های وجودی‌اش را درک کرد. اما بشر جهت شناخت این پدیده، مانند شناخت هر پدیده‌ای، آن را ایستا فرض می‌کند و در انتزاع با مراحل بعدی، به تماشایش می‌نشیند و قسمت‌هایی از آن را «زیبا» می‌بیند و قسمت‌هایی را «زشت» می‌یابد و قسمت‌هایی را «زشت و زیبا» درک می‌کند. در این نگرش که با وحدت موضوع و وحدت زمان و... مکان همراه است، مورخ و تحلیل‌گر تاریخ باری عظیم بر دوش دارد و برای حمل آن به سلامت، باید مجهز به آداب و عادات و اخلاق و وجدان انسانی باشد تا آنچه را به تماشایش نشسته است، معکوس و وارونه و مجعول و مجهول نیابد و امیدوار به شناخت نسبی واقعیت‌هایش باشد. با «نظر» به تاریخ بنگرد و با غرض از آن نگوید. در این خصوص، آنچه را که سهمی ناچیز از آن به عهده نویسنده بوده، نگاه به دوره‌ای از تاریخ پر رمز و راز جنبش میرزا کوچک خان، از زاویه دید «تحلیل پیام»‌های آن است. تحلیل محتوای روزنامه جنگل، ارگان جمعیتی که به نام ایران و اسلام جمع شدند و بر اصولی استوار ماندند و بر راهی قدم نهادند که از نگاه خودشان، راه سرفرازی و استقلال و هویت‌بخشی جامعه ایران بود.

برای شناخت یک حرکت اجتماعی، شناخت عناصر زبانی و کلامی آن حرکت، معیار خوبی است. نگاه به روزنامه جنگل، با روش تحلیل محتوای آن و با اعتقاد به اینکه متکلم، صاحبان اندیشه و قلم در این روزنامه، معنایی مراد کرده‌اند، و آن معنا برای دیگران قابل فهم است و هم فهم مشترک‌الاذهانی وجود دارد، و هم بهترین ملاک برای درک مراد متکلم، رفتن به سراغ چیزی است که او ادا کرده است، در زبان و در قلم، رسم و راهی بود که برای شناخت بیشتر جنبش جنگل انتخاب شد و با مراجعه به روزنامه‌های جنگل و نیز آثار کلامی دیگر به جا مانده از جنبش عظیم اجتماعی گیلان، به مسیری رهنمون شد که منظور و مقصود و هدف و اساساً انگیزه حرکت معماران جنبش جنگل را قابل درک نماید.

طرح مسئله

داستان انقلاب‌ها، از زمانی که انقلاب و اثرهای شد برای بیان واکنش جامعه در مقابل

کنش حاکمیت‌ها، داستان پرشوری است که در جهان، حداقل از دوران انقلاب کبیر فرانسه و در ایران از دوره انقلاب مشروطیت سابقه دارد.

قهرمانان این قصه‌های پر رمز و راز، علی‌رغم ورود آرای جدید به عرصه جامعه شناسی سیاسی و ابتلای کشورها به انواع دیگر تحولات و تغییرات اجتماعی، از جمله اصلاحات و تغییرات تدریجی و فرآیندی، کماکان عناصر قهرمانی را در خود حفظ کرده‌اند و گاهی به اسطوره‌هایی نیز تبدیل شده‌اند.

اگرچه در کمتر جامعه‌ای دیگر چریک شهری یافت می‌شود که همراه چه گوارا از جنگل‌های بولیوی سر در آورد و یا در کمتر جایی سراغ می‌توان کرد که در انتظار کاسترویی باشند که همراه یارانش از کوه سرازیر شود و بساط باتیستانا را در هم پیچد، اما هنوز بسیاری با آن خاطره‌ها زندگی می‌کنند و بسیاری نیز انگیزه می‌گیرند. این داستان‌ها برای مردم کشورهای عقب نگاه داشته شده، یکسره حکایت دیگری است. انقلاب مشروطیت ایران به تعبیری انقلاب قشر متوسط شهری بود که با تشکیل نهادهای کوچک مدنی مانند انجمن‌های سری و غیر سری، احزاب و دسته‌های کوچک، شعار قانون‌گرایی را ابتدا در بطن و متن جامعه نهادینه نمود و آنگاه رأس هرم قدرت را نشانه رفت و فرمان مشروطه و اجازه تأسیس عدالت‌خانه را از رهبری استبداد ستاند و عدل مظفر علامتی شد بر تارک استبداد و خودکامگی و ملتی قادر شد یک قدم در راه تغییر و تحول نهادهای قدرت پیش رود.

طبیعی است که این مشروطه، مشروطه‌ای ایرانی باشد و به نظر می‌رسد به‌رغم نظر نویسندۀ کتاب مشروطه ایرانی، روشنفکران و روشن‌اندیشان و علما و روحانیون پیشتاز نهضت درکشان از شرایط اقلیمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه آن روز ایرانی درکی بالنسبه درست بود و می‌بایست با اتخاذ تاکتیک‌های مناسب آن روزگار، قانون‌گرایی را نهادینه می‌کردند (آجودانی، ۱۳۸۲: ۹۳). آن هم در مملکتی که استبداد تا دل‌خانه‌های مردم رفته بود و در هر سرایی شاهی حاکم بود و در هر خانه‌ای ظلمی می‌رفت و این همه نه فقط از راه اعمال قدرت مطلقه حکومت مرکزی، بلکه از طریق ساختارهای غلط موجود جامعه و به اتکاء اعتقادات و عقاید منحط و غلط جامعه قبیله‌ای، اعمال می‌گردید و طبیعی است که روشنفکر ایرانی چاره‌ای نداشت تا برای حذف و عزل عوامل موجد آن همه ستم تاریخی و اجتماعی، با زبان مردم و از راه شناخت فرهنگ مردم و آشنایی با آداب و عادات مردم به تغییر و تحول در آنها نائل آید. نهضت جنگل به مثابه جنبش ضداستعماری که در اوایل قرن بیستم (۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰

هش) به مدت هفت سال نواحی گیلان، مازندران و زنجان را تحت پوشش مستقیم و نواحی دیگر ایران را تحت تأثیر غیرمستقیم قرار داده بود، از جمله بزرگترین و تأثیرگذارترین تحرکات سیاسی - مردمی در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب مشروطیت محسوب می‌شود.

مراحل سه‌گانه نهضت جنگل از آغاز در راستای اعاده برنامه‌ها و اهداف انقلاب مشروطیت، مبارزه با خودکامگی و استبداد تا مقاومت در برابر قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق‌الدوله، کاکس و بیرون راندن بیگانگان، همکاری با نیروهای اتحاد اسلام و همکاری با دولت عثمانی و نیز تشکیل جمهوری شورایی گیلان در تعامل با نیروهای دولت جدید التأسیس اتحاد جماهیر شوروی و عناصر کمونیست داخلی در مواردی با توفیق و گاه با ناکامی مواجه بوده است.

مسأله تحقیق این است که براساس فرضیه ارائه شده کوشش شود لااقل از دیدگاه نظری، ثابت شود که نهضت جنگل داعیه استقلال از مام میهن را نداشته و برعکس تا حد امکان به شعائر مشروطه مؤمن مانده است و حفظ هویت ملی ایرانیان از اساس پایه‌های آن را تشکیل می‌داده است. روش تحلیل محتوا به این خواسته نگارنده کمک شایانی کرده است. زیرا این روش با تأکید بر واژه‌ها و کلمات کلیدی مانند استقلال و استبداد و اجنبی و غیره روشن می‌سازد که استراتژی جنبش جنگل تا چه میزان، به لحاظ نظری، بر اجنبی‌گری تأکید داشته است. اگرچه در عمل و پس از تشکیل جمهوری شورایی گیلان از این اصول عدول شده است، اما نگارنده با مستندات کافی نشان خواهد داد که پیشوای نهضت جنگل انحراف کمتری از اصول و مواضع اعلام شده داشته است.

شناخت دوره‌های مختلف تاریخی و پی بردن به شرایط و مختصات اجتماعی هر دوره به ما می‌فهماند که آن بازیگران نقش‌های متعدد تاریخی، با چه معیارهایی و از سر تشخیص کدام معیار فکری یا به میدان کنشگری گذارده‌اند. مصطفی شجاعیان در تبیین این گزاره می‌نویسد:

آنها هر چه را که توانسته‌اند کرده‌اند و آنچه را هم نکرده‌اند، در حد و قدرت آنها نبوده است و لذا از این بابت و در آن شرایط می‌توان و می‌باید هم که از روی آنان مجسمه‌های آزادی و آزادی خواهی را ساخت و اضافه کنم که انتقاد به ستاره‌ها به هیچ وجه دفاع از بی‌عرضگان و خیانتکاران نیست (شجاعیان، ۱۳۴۹: ۲۰).

اطلاع از چند و چون قیام «جنگل» و نهضت‌های مشابه آن در تاریخ معاصر ایران و

حتی جهان و تجربه‌های تلخ شکست این نهضت‌ها و مطالعه آثار و عواقبشان و بررسی تعلیل‌ها و تحلیل‌های متفکران در مورد این جنبش‌ها، و به خصوص نهضت مشروطه و نهضت جنگل، به نسل جوان ایران امکان شناخت و معرفت بر دیدگاه‌ها و واقعیت‌های تاریخی را می‌بخشد تا در حرکت‌های دیگر از آن تجارب استفاده کنند.

سؤالات تحقیق

- ۱- موضوع استقلال و خودمختاری محلی در نهضت جنگل با چه نظریاتی قابل تبیین و ارزیابی است؟
- ۲- مفهوم استقلال‌طلبی و خودمختاری محلی و جایگاه آنها در روزنامه جنگل چیست؟

روش تحقیق، قلمرو زمانی و مکانی

روش تحقیق بکار گرفته شده، روش تاریخی با بهره‌گیری از اسناد دست اول (با محوریت روزنامه جنگل) به‌ویژه تحلیل محتوای آثار و مطالب منتشر شده در این روزنامه بوده است. روش تحلیل محتوا در ابعاد تجزیه و تحلیل کیفی - تجزیه و تحلیل تکرر - تجزیه و تحلیل ارتباطی توأمان مورد استفاده بوده است. جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده و مراجعه به سند دست اول روزنامه جنگل و کتاب‌هایی که اطلاعات کافی از ماجرای جنگل ارائه می‌دهند.

قیام میرزا کوچک خان جنگلی پس از فرار محمدعلی شاه قاجار از ایران و با بر تخت نشستن ولیعهد خردسال او، احمد شاه قاجار، برابر با ۱۲۹۴ هجری شمسی آغاز و در سال ۱۳۰۰ به پایان رسید که قلمرو زمانی این تحقیق می‌باشد.

این تحقیق و بخش عمده کتاب‌هایی که در این مورد نوشته شده است، قلمرو مکانی تحقیق را آذربایجان، تهران و بالاخره گیلان انتخاب کرده‌اند. از دو استان آذربایجان و تهران به سبب بسترسازی و آماده‌سازی زمینه‌های مشروطیت بحث شده است که میرزا کوچک خان خود نقش مهمی در یاری رساندن به مجاهدات انقلاب مشروطه ایران ایفا کرده است. خلاصه آن‌که نهضت جنگل که به نام پیشوای خود میرزا کوچک خان معروف است، از نظر مکانی در قلمرو استان سرسبز و پوشیده از جنگل گیلان و قسمتی از کوه‌های اطراف اردبیل و زنجان و در قسمت شرق گیلان نیز تا دامنه‌های چالوس گسترده بوده است.

چارچوب نظری

در جایی که بازیگران اجتماعی در سطح گسترده‌ای به جامعه از منظر مبارزه و برخورد می‌نگرند (البته نه لزوماً قابل کاهش به مبارزه طبقاتی) توضیحات جامعه‌شناختی که بازتولید نظم اجتماعی را عملاً اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌کنند احتمالاً بی‌اعتبار گشته و حتی به سازش با وضع موجود متهم می‌گردند (نش، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

می‌توانیم انقلاب را نیز یکی از جنبش‌های اجتماعی از نظر خواسته‌ها بدانیم. هر انقلابی را می‌توان یک جنبش فراگیر نامید در صورتی که نمی‌توان هر جنبش خرد اجتماعی را یک انقلاب نامید.

با در نظر گرفتن شرایط خاص جنبش جنگل نکات زیر در مطالعه نظری برای تبیین باید مورد توجه قرار گیرد:

اول این که نظریه‌ها برخاسته از شرایط اجتماعی جامعه هستند. به عبارت دیگر، نظریه‌ها محصول متفکران و متفکران خود محصول جامعه‌ای هستند که در آن رشد کرده‌اند و در این صورت باید به شرایط خاص ایران نیز توجه شود.

در ثانی برخی اندیشمندان و نظریه‌پردازان بر یک عامل تکیه و تأکید دارند در حالی که در شرایط دیگر نظریه دیگری ارجح است. مثلاً نظریه اسکاچ پل که به تضاد اهمیت می‌دهد و آلن تورن بر تاریختی اصرار می‌ورزد.

سوم این که باید دقت کنیم که نظریه‌ها از بعد تأکید بر شرایط تکوین جنبش، و تداوم و مستقر شدن آن، متفاوت‌اند. مثلاً نظریه فشار ساختاری عمدتاً به شرایط پیدایی جنبش نظر دارد و نظریه بسیج منابع بیش‌تر به مراحل پس از شکل‌گیری می‌پردازد.

با توجه به مباحث بالا، به نظر می‌رسد داستان میرزا کوچک‌خان و جنبش جنگل را نتوان با یکی از نظریات فوق وفق داد و به اصطلاح این عمل، یعنی انتخاب نظریه‌ای واحد، کمک چندانی در جهت تبیین این جنبش نمی‌کند. ولی از بیان نظریات ناچاریم. زیرا هر تحلیلی که از این جنبش اجتماعی اواخر قرن نوزدهم گیلان ارائه دهیم، قسمت‌هایی از نظرات را در بر خواهد داشت.

دکتر حسین بشیریه می‌نویسد: اختلافی که در جامعه‌شناسی درباره کاربرد روش‌های تبیینی و تفهیمی برای شناخت پدیده‌های اجتماعی وجود دارد، در تئوری‌های انقلاب نیز مشاهده می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۷: ۲۳).

اگر قطع نظر از ذهنیت و نظام معانی و ارزش‌ها به پدیده انقلاب بنگریم، با روش تبیینی به آن نگریسته‌ایم و اگر ساخت‌ها و نهادهای اجتماعی را در متن تجربه و آگاهی

انسانی ببینیم، با روش تفهیمی به آن نگاه کرده‌ایم. هانا آرنست بر این اساس انقلاب را با توجه به کوشش‌ها و انگیزه‌های آگاهانه انقلابیون و از زبان خود آنها تلاشی برای دستیابی به آزادی می‌شمرد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۲۳).

به هر تقدیر مجدداً یادآور می‌شود که وجود طیف متنوعی از بسترهای اجتماعی و سیاسی تکوین جنبش‌ها باعث می‌شود که ارائه مدل‌هایی برای پوشش دادن تفاوت‌های فراوان میان شرایط «محلی» عمل جمعی حتی، سخت‌تر می‌شود به علت آن‌که در برهه پایانی و در پیچ سهمگین نهضت جنگل، ایدئولوژی مارکسیسم و به‌خصوص قرائت لنینی آن بیشتر آن را تحت تأثیر قرار داد.

به نظر تیلی، جنبش‌های اجتماعی معمولاً به‌عنوان وسیله بسیج منابع گروهی هنگامی پدید می‌آیند که یا مردم هیچ‌گونه وسایل نهادینه شده‌ای برای بیان خواسته‌های خود ندارند یا نیازهایشان مستقیماً توسط مقامات دولتی سرکوب می‌شود (همان: ۶۶۴). به نظر تیلی، جنبش‌های انقلابی نوعی عمل جمعی‌اند که در وضعیت‌هایی که وی آن را حاکمیت چندگانه می‌نامد، رخ می‌دهند. شرایطی که در آن، حکومت به دلیلی فاقد کنترل کامل بر مناطق تحت اداره خود است، حاکمیت چندگانه ممکن است در نتیجه جنگ خارجی، برخوردهای سیاسی داخلی یا ترکیب این دو پدید آید (همان: ۶۶۵).

به عقیده تیلی، در مقایسه با جنبش‌های اجتماعی قبل از سده نوزدهم، جنبش‌هایی که شما امروز با آنها آشنا هستید، در جهت ایجاد تغییرات مؤثر از طریق دولت - ملت به طرز بی‌سابقه‌ای سازمان‌دهی و جهت‌دهی شده‌اند. در حقیقت، او چنین جنبش‌هایی را «جنبش‌های ملی» می‌نامد و آنها را از جنبش‌های کمتر سازمان‌یافته، دفاعی‌تر و محلی‌تر که مخصوصاً در دوره توسعه تجاوزکارانه دولت‌ها در سده هفدهم حضور چشمگیری داشتند، متمایز می‌کند. تیلی معتقد است جنبش‌ها از یکدیگر فرا می‌گیرند و موفقیت یک تاکتیک از جانب یک جنبش احتمالاً به تقلید آن از سوی جنبش‌های دیگر منجر می‌گردد. برخی از متفکران به ظهور عاملی به نام گونه‌های اعتراض اشاره می‌کنند. به عبارتی «جنبش‌های اجتماعی به دو معنا ادواری هستند: نخست این‌که جنبش‌های اجتماعی واکنشی در قبال اوضاع و احوال‌اند. این اوضاع و احوال، خود در نتیجه دوره‌ها یا نوسانات سیاسی، اقتصادی و شاید ایدئولوژیک دگرگون می‌شود. دوم این‌که، جنبش‌های اجتماعی به سمت داشتن چرخه‌های حیاتی خاص خود میل می‌کنند و از آنجا که جنبش‌های اجتماعی مردم را علیه اوضاع و احوالی به حرکت درمی‌آورند و بسیج می‌کنند که خودشان هم دوری هستند، بنابراین بسیج و قدرت این جنبش‌ها و

شرکت در آنها نیز به سوی دوری بودن گرایش پیدا می‌کند و فنی است که بر جنبش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد، و حتی برای یکی از این دوره‌های اجتماعی یا تعدادی از آنها وزن و اعتبار بیشتر یا حتی نقشی منحصربه‌فرد یا قدرتی تعیین‌کننده قائلند. نام سورکین تداعی‌گر دوره‌های ایدئولوژیک است و نام مادلسکی با دوره‌های سیاسی - جنگی و نام کندراتیف و شومپتر با دوره‌های اقتصادی مترادف شده است» (فوئتیس و گوندر فرانک، ۱۳۷۰: ۴۹). جنبش‌های اجتماعی همان‌طور که به صورت دوری و در واکنش به اوضاع و احوال متغیر محیطی برمی‌آیند و می‌بالند، به همان صورت هم افول می‌کنند. قابلیت پیری و مرگ به‌ویژه در مورد آن دسته از جنبش‌های اجتماعی صادق است که برای بسیج اعضای خود متکی به رهبرانی کارزماتیک هستند. از نمونه‌های بارز چرخه‌های حیاتی دور مانند جنبش‌های اجتماعی می‌توان از جنبش‌های انقلابی و دهقانی نام برد (همان: ۵۰).

نظریات فشار ساختاری و همچنین نظریه اعتراض از جمله نظریات جنبش‌های اجتماعی هستند که از زاویه کارکردگرایی و بسیج منابع به مسأله نگاه می‌کنند. همچنین نظریه اسکاچ پل نیز نظریه‌ای برای جنبش‌های انقلابی است. و چون اغلب مورخان و تحلیل‌گران تاریخی حرکت میرزا کوچک خان را یک جنبش انقلابی نامیده‌اند و در این امر بر مرامنامه جنگل، نامه‌های میرزا و اقدامات عملی او اشاره می‌کنند، از نظریه اسکاچ پل برای تبیین قیام میرزا می‌توان استفاده کرد.

ابراهیم فیوضات معتقد است از نظریه‌های دیگر نیز که به عوامل مشترک جنبش به‌طور عام اشاره می‌کنند برای بررسی ویژگی عام جنبش استفاده می‌شود. از رویکرد فشار ساختاری به عواملی مثل زمینه‌های ساختاری، ایدئولوژی، گروه هماهنگ‌کننده و رهبری، و از نظریه اعتراض، به بسیج منابع اشاره می‌شود. از نظریه اسکاچ پل عناصری مثل شرایط بین‌المللی و ناتوانی و عدم کارایی دولت اخذ می‌شود (فیوضات، ۱۳۸۴: ۲۷).

روزنامه جنگل، تاریخچه چاپ و نشر روزنامه در عصر قاجار

انتشار روزنامه، نیز بخشی از نهضت فرهنگی جنبش جنگل بود. نخستین روزنامه ایرانی که تنها روزنامه عصر خود نیز بود «اخبار» نام داشت که به همت میرزا صالح شیرازی در زمان محمدشاه قاجار به چاپ رسید. «وقایع اتفاقیه» هم زیر نظر امیرکبیر به مدت ۱۰ سال انتشار یافت. سه روزنامه «اختر» چاپ استانبول، «حکمت» چاپ مصر و «قانون» چاپ لندن نیز از روزنامه‌های اولیه ایرانی بودند که در خارج از کشور چاپ

می شدند. با آغاز نهضت فرهنگی دبستان‌ها، «جبل‌المتین» کلکته، «تربیت» تهران، «ثریا» و «پرورش» مصر و «الحدید» یا «عدالت» تبریز هم بر شمار روزنامه‌ها افزوده شدند (کسروی، ۱۳۸۰: ۹۴).

از شش ماه پس از انقلاب مشروطیت ایران، تا ده ماه پس از تشکیل مجلس شورا، شمار روزنامه‌ها و مجلات از ۶ به ۱۰۰ عنوان رسیده بود، حال آن‌که اغلب مردم هنوز بی‌سواد بودند. اکثر نشریات عناوینی خوش‌بینانه، ملی‌گرایانه و تندرو داشتند: ترقی، بیداری، وطن، آدمیت، اتحاد، امید و عصر نو. شدیدالحن‌ترین و پرتطرفدارترین نشریات نیز توسط اعضای سازمان‌های مخفی منتشر می‌شد: میرزا رضا تربیت و سیدمحمد شبستری از اعضای مرکز غیبی، «آزاد» و «مجاهد» را انتشار می‌دادند. ناظم‌الاسلام کرمانی در انجمن مخفی، «ندای وطن»، و کمیته انقلابی نیز «حقوق» «صور اسرافیل»، «مساوات» و «روح‌القدس» را منتشر می‌کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۱۱۱).

عباس نعیمی در این خصوص می‌نویسد: به نظر می‌رسد که تعدد و تکثر جراید محصول سال‌ها سکوت اجباری بود که اکنون بروز داده می‌شد. آگاهی عمومی که به واسطه آنها انتشار و عمومیت می‌یافت، در شکل‌گیری جنبش جنگل که یک جنبش اعتراضی بود مؤثر افتاد. اعتراضی که در قد و قامت چریکی ظهور یافت و از قلم چنین جرایدی واجد شعور سیاسی گشته و بالنده شده بود (نعیمی، ۱۳۹۱: ۹۲).

روزنامه جنگل، پیام جنبش

منویات یک جنبش و اصیل‌ترین پیام آن از طریق روزنامه به سمع و نظر جامعه می‌رسد و معمولاً صحیح‌ترین نقدها و بررسی در مورد یک جنبش، بررسی دقیق مطالب و محتویات روزنامه وابسته به ارگان فرهنگی و سیاسی آن جنبش است. به خصوص که یقین حاصل شود متون چاپ شده در یک روزنامه، حاصل تراوش ذهن و فکر سردمداران آن جنبش است. در مورد روزنامه جنگل چنین است. به قول نعمتی لیمائی، بدون هیچ‌گونه ریب و دودلی، متون نگارش یافته در روزنامه جنگل تراوش یافته از ذهن و فکر سردمداران نهضت جنگل است و بازگوکننده مکنونات قلبی و منعکس‌کننده ضمیر آنها به‌شمار می‌آید (نعمتی لیمائی، ۱۳۸۹: ۴).

روزنامه جنگل که دوران حیاتش ظاهراً منجر به نشر ۳۹ شماره روزنامه شد، در همه دوره مجزا انتشار می‌یافت. دوره نخست با انتشار نخستین شماره روزنامه در تاریخ ۱۹ شعبان ۱۳۳۵ هـ.ق برابر با ۲۰ خرداد ۱۲۹۶ هـ.ش و به مدیریت غلامحسین

کسمایی آغاز گشت از شماره دوم تا هشتم مدیریت روزنامه جنگل را حسین کسمایی به عهده گرفت و از شماره نهم تا پایان دوره اول روزنامه دگر بار به مدیریت غلامحسین کسمایی ادامه حیات داد. دوره اول با نشر شماره ۳۱ در ۱۷ شعبان ۱۳۳۶ هـ ق برابر با ۶ خرداد ۱۲۹۷ هـ ش به پایان رسید. در دوره دوم دست‌اندرکاران روزنامه جنگل تنها یارای چاپ و نشر ۴ شماره را یافتند که اولین شماره آن در ۲۶ شوال ۱۳۳۷ هـ ق برابر با ۱۳ خرداد ۱۲۹۷ هـ ش و آخرین شماره آن در ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ هـ ق برابر با ۱۶ دی ۱۲۹۷ هـ ش منتشر شد. در این دوره نیز غلامحسین کسمایی عهده‌دار سرپرستی و مدیریت روزنامه بود. سومین دوره انتشار نشریه جنگل نیز با فترتی نسبتاً طولانی در ۱۴ شوال ۱۳۳۹ هـ ق برابر با ۱۰ تیر ۱۲۹۹ هـ ش آغاز شد. جنگل در سومین دوره حیاتش که تنها ۱۸ روز به طول انجامید در ۴ شماره منتشر گشت که آخرین شماره آن نیز در ۳ ذیقعد ۱۳۳۸ هـ ق برابر با ۲۸ تیر ۱۲۹۹ هـ ش انتشار پیدا کرد. آنچه روشن است پس از این دوره روزنامه جنگل برای همیشه تعطیل شد (نعمتی، ۱۳۸۹: ۴).

تحلیل پیام نهضت جنگل از روزنامه جنگل

جنگلی‌ها می‌گفتند: ما قبل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم (روزنامه جنگل، سی تیر، ۱۲۹۶ هـ خ، ش ۵: ۲).

روزنامه جنگل برای نشان دادن خط مشی اصلی خود شعار خاصی را سرلوحه قرار داد: این روزنامه فقط نگهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است (روزنامه جنگل، ۲۰ خرداد ۱۲۹۶ هـ خ، ش ۱: ۱).

در بررسی محتوای اخبار و مقالات درج شده در کل شماره‌های روزنامه جنگل روح انقلابی و تکاپوی تحول‌خواهی سیاسی - اجتماعی مشهود است. در مطالب روزنامه جنگل نمی‌توان اسامی صاحب‌نام و شهیر یافت و در بیشتر مواقع نوشته‌ها بدون نام یا با عنوان هیئت اتحاد اسلام درج شده است. اما فضای کلی نوشته‌ها به دور از چهارچوب‌های زمان خود نبوده‌اند. تبیین فضای سیاسی - اجتماعی ایران، اخباری از تحولات جهانی به خصوص مسائل مربوط به جنگ اول جهانی، و هم‌چنین مطالب ادبی و طنز از تنوع موضوعی این روزنامه حکایت می‌کند.

از بنیادی‌ترین مباحث در سلسله نوشتارهای روزنامه جنگل تلاش برای ارائه تصویری روشن از شرایط نامطلوب ساختار حکومتی و ارائه راهکارهای برون‌رفت از این موقعیت بحرانی است: در منظومه فکری روزنامه، چهارچوب نظری حکومت

مستقر، الگوی مطلوب و مقبول است، اما در چرخه اجرایی، نابسامانی و بی اعتدالی و تقایص فراوانی به چشم می خورد. شاید اعتنا و پای بندی جنگلی ها به چهارچوب سیاسی موجود که پس از انقلاب مشروطیت پدید آمده بود، سبب شد تا نهضت جنگل براساس رویکردهای روزنامه الگوی بدیلی ارائه نکند و فقط انتقاد خود را مستقیماً به مجریان و شیوه های اجرایی آنان معطوف کند. در سلسله نوشتارهای انتقادی روزنامه می توان مواردی یافت که پای بندی جنگلی ها را به نظام مشروطه و ملزومات آن نشان می دهد (متولی، ۱۳۹۰: ۹۸).

مرام هیئت اتحاد اسلام حفظ استقلال اسلام و ایران و استقرار مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی است (روزنامه جنگل، ۳ اسفند ۱۲۹۶ هـ.خ، ش ۲۷: ۲). در مباحث دیگر ضمن بیان خصوصیات مطلوب برای جامعه ایران، آرمان خویش را در مسیر برقراری مشروطه واقعی تبیین می کند و خواستار بقای مشروطه و سلطنت است. ۱- سریر سلطنت مشروطه ایران و پادشاه جوان بخت که طبق قوانین اساسی جاری مملکت مراقب و مواظب باشند، چنان که به قدر مقدور هستند. ۲- دارالشورای کبری و پارلمان وطن تا منتخبین ایالات و ولایات کافی و لایق باشند که اصل اصیل اصلاحات را وطن از آنها درخواست نماید. ۳- هیئت معظم کابینه وزرا که زمام مهمام کشور و علت العلل نیک بختی و بدبختی هر دولت و ملت از آن ناحیه است (روزنامه جنگل، ۱۱ تیر ۱۲۹۶ هـ.خ، ش ۴: ۱).

تأکید مکرر بر سه رکن اساسی نظام مشروطیت که باید «دارای نماینده سریر سلطنت و قوه مقننه و هیئت مجریه باشد» (جنگل، ۷ الف: ۱) نشان دهنده پای بندی عملی نهضت به اصول اساسی مشروطیت بود. نویسندگان روزنامه، به سبب این که به اشکال مختلف و با انتقادات متعدد در زمره مخالفان نظام مشروطه قلمداد می شدند، در تلاش بودند برای متفی کردن این یورش های قلمی و زبانی تبعیت خود را از نظام قانونی کشور منعکس کنند (متولی، جستارهای تاریخی، ش ۲).

تأکید بر پذیرش شاه، در شماره های میانی بسیار جلب توجه می کند: جنگلی ها می گویند باید تاج و تخت قدیم ایران از مختصات شاهنشاه حریت پرور سلطان احمدشاه بوده و این سلطان جوان بخت دارای سطوت و ابهت شهریاران بزرگ عجم باشد (جنگل، ۱۳ الف: ۲) جنگلی تمرد و عدم اطاعت شاهنشاه حریت پرور را ذنب لایغفر می داند (جنگل، ۱۳: ۳).

کاربرد وسیع عبارت «پادشاه محبوب و صدیق و ایران دوست» (جنگل، ۴: ۳) ممکن

است نشانی از تمایلات قلبی آنها به شخص شاه باشد، در عین این که به نظر می‌رسد آنها شاه را نماد وحدت ملی نیز تلقی می‌کردند. برگزاری جشن تاج‌گذاری احمد شاه در فومن و «قرائت خطابه‌های مهیج و ترانه‌های وطنی و سرودهای ملی و دعا به ذات اقدس ملوکانه» نشان دهنده این رویکرد جنگلی هاست (جنگل، ۳ الف: ۵). در کنار این تعلقات و بیان الزام جنگلی‌ها به این که باید ذات اقدس شاهانه را مقدس بشمارد (جنگل، ۲۵: ۲) در مواقعی که به اوضاع و احوال کشور انتقادهای تندی وارد می‌کردند، کوشش داشتند شخص شاه را در این نابسامانی شریک نکنند و حداقل تقصیر او را به گردن دیگران بیندازند: اگر به این آرزو نایل شدیم (آگاه کردن شاه نسبت به دخالت اوضاع کشور) و شخص شاهانه از اوضاع جاریه مسبوق گردند، خواهیم دید که ذات پادشاهی بیش از هر ایرانی فداکار برای استخلاص مملکت و دفع شر اجانب ... با تمام قوا قیام خواهند کرد (جنگل، ۲۷: ۱).

آنها معتقد بودند که باید شرایط حاکم بر جامعه را برای شاه توضیح دهند و اوضاع کلی را توصیف کنند و به اصطلاح اطلاع‌رسانی کرده، شاه را وادار به مداخله نمایند و این نشان می‌دهد که کوشش داشتند شاه را از مسئولیت اوضاع نابسامان بری کنند:

ذات اقدس شاهنشاه را مستحضر می‌نماید که تاج و تخت قدیم ایران و سلطنت شخص اعلیحضرت بازیچه انگلیس و خیانتکاران داخلی گشته است

(روزنامه جنگل، ۱۱ خرداد ۱۲۹۶ هـ.خ، ش ۱۸: ۳).

مکانت و جایگاه شاه در رویکردهای روزنامه مشهود است و در مقالات متعدد به آن توجه و تأکید شده است جنگلی‌ها فعالیت خود را در قلمرو قانون مملکتی انجام داده‌اند (روزنامه جنگل، ۱۱ آذر ۱۲۹۶ هـ.خ، ش ۱۸، ۴).

در شماره بعد روزنامه ظاهراً به سبب تن دادن شاه به تغییر در کابینه، قلم و زبان آنها نسبت به شاه رنگ و بوی انتقادی گرفت که شاید از معدود موارد انتقادات روزنامه به شاه است. نویسنده مقاله «کابینه جدید، پرده جدید، یک عالم تحیر» شاه را به وظایف شرعی و قانونی‌اش توجه می‌دهد:

ذات مقدس شاهانه که بیش از همه علاقه‌مند به این آب و خاک است ... حراست این همه ودایع الهی را در پیشگاه خداوندی به مضمون کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت عهده دار و قانون اساسی هم حفظ حقوق ملت را به ذات اقدسشان تقدیم داشته. در این تصمیم ملوکانه و تعیین این کابینه غیرمتجانس ... چه مقصودی را تعقیب می‌فرمایند؟ آیا صدمه و خسارتی که از این عناصر ... ناخلف وطن ظاهر می‌شود بیش

از همه به شخص اقدس ملوکانه متوجه نیست؟ در چنین حالی یک چنین تصمیمی هر ناظری را بلاشبهه به تحیر مصادف می‌کند (جنگل، ۱۹: ۳).

نحوه شکل‌گیری کابینه‌ها و اعضای آنها از دیگر مسائل مهم سیاسی بود که روزنامه به آن نگرشی انتقادی داشت و با حساسیت آن را پیگیری می‌کرد. هم‌زمان با انتشار روزنامه جنگل، بجز چند شماره آخر آن، دولت در دست محمدعلی خان علاء السلطنه بود (ضرغام بروجنی، ۱۳۵۰: ۱۰۲). این کابینه در یک مرحله مجبور به ترمیم شد و در نهایت پیش از اتمام سال سقوط کرد و عین‌الدوله رئیس‌الوزرا شد که عمر کوتاه دولت او با چند شماره پایانی روزنامه جنگل همراه بود. کابینه علاء السلطنه با اوج بحران‌های سیاسی ناشی از تبعات جنگ اول جهانی در ایران هم‌زمان بود. شخص رئیس‌الوزرا نیز ظاهراً به سبب کهولت سن امکان اداره مستقیم دولت را نداشت و امور اجرایی در اختیار میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک، وزیر مشاور بود (عاقلی، ۱۳۷۰: ۲۱۷). به نظر می‌رسد عمق بحران‌های سیاسی و اقتصادی - اجتماعی به حدی بود که در عمل برخی اقدامات مقطعی این دولت نیز حرکتی رو به جلو نبود؛ بنابراین برای غلبه بر مشکلات تغییراتی در ترکیب وزرا ایجاد شد، اما این تلاش‌ها مفید نبود و با سقوط دولت دوره پنجاه روزه عین‌الدوله آغاز شد.

نگرش گردانندگان روزنامه جنگل به این کابینه‌ها تلفیقی از حمایت و مطالبات متعدد بود. کم و بیش در اکثر شماره‌های روزنامه، توجه نویسندگان به مسأله کابینه معطوف بود و مواضع آنها درباره ساختار هیئت وزرا شامل تأیید کلیت هیئت وزرا، تمجید از برخی وزرا، و انتقاد از تعدادی دیگر می‌شد. اما درباره مطالبات روزنامه، به نظر می‌رسد که درخواست‌های جنگلی‌ها محدود به برخی کلی‌گویی‌ها و مسائل روزمره و بی‌بهره از طبقه‌بندی و عمق و وضوح لازم بود (متولی، جستار تاریخی، ۱۳۹۰، ش ۲: ۹۰). پتانسیل اصلاح‌گرایانه جنگل در این دوران که جنبش جنگل بر گیلان حاکم است، به‌خوبی قابل ارزیابی است و آزمون خوبی برای جریان مسلط آن یعنی گرایش ملی - مذهبی به‌شمار می‌رود. کوچک خان درخواست کرد دولت کرنسکی نیروهای خود را از ایران خارج کند و همه امتیازات تحمیل شده به ایران از سوی تزارها را لغو کند (شاکری، ۱۳۸۶: ۹۲). پر و بال گشودن جنبش در این مرحله تحت جلوه‌هایی قابل مشاهده است همچون: شکل‌گیری یک ساختار سیاسی به نام اتحاد اسلام، دولتی نیمه‌رسمی با سازمانی نظامی در مرکز آن و انتشار روزنامه «جنگل» که به تبیین بینش و برنامه جنبش می‌پرداخت.

فعالیت دیپلماتیک کوچک‌خان چشمگیر بود تا بدان واسطه در سطح ملی انتشار پیام نماید. در نتیجه به تاریخ ۱۲ آذر ۱۲۹۶ ش نمایندگان به قزوین فرستاد. ضمن همکاری نزدیک عناصر جنگل با دموکرات‌های همدان، ایشان نمایندگانی به شاهرود و سمنان در استان سمنان، و دامغان در خراسان غربی اعزام داشتند. حتی حضور جنگلی‌ها در گنبد کاووس پررنگ بود. کار به جایی رسیده بود که وابسته نظامی انگلیس در دی ماه ۱۲۹۶ هـ ش از گسترش نفوذ جنگلی‌ها در سطح ایران ابراز نگرانی می‌کند (شاکری، ۱۳۸۶: ۹۳ و ۹۴).

واکاوی نشریه جنگل اطلاعات خوبی را درباره برنامه‌های جنبش و فضای فکری حاکم بر آن در اختیار قرار می‌دهد. هفته نامه جنگل که از تیر ۱۲۹۶ هـ ش انتشار یافته بود اعلام داشت که از حقوق ایرانیان حمایت و افکار مسلمانان را روشن می‌کند. «جنگل» که حتی در پایتخت طرفدارانی داشت عموماً خط مشی مشروطه خواهی را تبلیغ می‌کرد، دفاع از حقوق انسان‌ها و اطاعت از قانون را سرلوحه هدف‌های خود می‌خواند و خواستار اصلاحات بود و آشکارا اعلام می‌داشت که در پی برگزاری انتخابات دوره چهارم مجلس «بدون تقلب و بی‌نظمی» است.

روزنامه جنگل در شماره ۲۴ خود فقط دولتی را شایسته اطاعت دانست که اصلاحات را به اجرا بگذارد و در شماره ۱۲ متن پیامی را به چاپ رساند که رهبران اتحاد اسلام برای شاه فرستادند و در آن به وی اطمینان دادند که تاج و تخت ایران را حفظ خواهند کرد. شماره ۱۳ نشریه جنگل به خوبی بیانگر خواسته‌های آنهاست:

- ۱- ایران به ایرانی تعلق دارد؛ ۲- سلطه خارجی باید پایان یابد؛ ۳- اصلاحات باید بدون دخالت خارجی تحقق یابد؛ ۴- تاج و تخت باستانی ایران به احمدشاه حامی آزادی تعلق گیرد و قلمرو اقتدار وی باید همچون امپراطوری بزرگ گذشته ایران باشد؛
- ۵- کابینه دولت به رهبری آزادی خواهان مشروطه خواه، نه فقط باید به سرعت همه زیان‌های ناشی از پیشینیان فرومایه خود را رفع کند، بلکه برای رفاه آتی ملت بکوشد؛
- ۶- مجلس باید بازگشایی شود؛ ۷- اسلام باید در مقابل خطر انگلیس مورد حمایت قرار گیرد؛ ۸- خائنان باید مجازات شوند (جنگل، ۱۲۹۶، ش ۱۳).

سازمان سیاسی جنبش که تا آن زمان حول یک رهبر اداره می‌شد و معنا می‌یافت، در این زمان تحت هدایت کمیته اتحاد اسلام قرار گرفت. این نکته، نشان دهنده استعداد جنبش برای اصلاح‌گری مدنی است و می‌توان این تغییر تطبیقی با شرایط را امتیازی برایش به حساب آورد. یعنی ارتقاء رهبری فرهمندانه فردی به رهبری عقلایی جمعی.

منابع موجود دربارهٔ چند و چون این رهبری گروهی اندک است، لیکن کنسول فرانسه در رشت آن را سنا می‌نامید و کنسول آلمان در شیراز در تیر ۱۲۹۷ هـ ش خاطر نشان می‌کند که «کمیته» اتحاد اسلام مرکب از ۸ تا ۱۰ تن^۱ بود. معاون کنسول فرانسه نیز خبر می‌دهد که سنا نام خود را به اتحاد ایران تغییر داد. از بین تناقضات بین منابع به نظر می‌رسد توضیح مؤلف «سردار جنگل» به واقع نزدیکتر باشد. وی تصریح می‌کند زمامداری انحصاری روحانیون برای برخی ناخوشایند بود لذا ترتیبی دادند که هیئت اتحاد اسلام به «کمیته» تبدیل شود که در نتیجه، افراد غیرروحانی نیز می‌توانستند به عضویت رسمی اتحاد اسلام در آیند و اکثریت اعضای کمیته را به‌دست آورند (فخرایی، ۱۳۵۷: ۹۶).

علاوه بر گیلان، روزنامهٔ جنگل حتی در پایتخت طرفدارانی داشت و عموماً خط مشروطه خواهی را تبلیغ می‌کرد. دکتر محمد مصدق می‌نویسد که سیاستمداران اپوزیسیون، چون خودش، نیز برای اعمال فشار بر دولت اعلامیه های خود را در جنگل منتشر می‌کردند (مصدق، ۱۳۶۷: ۱۰۸).

خسرو شاکری می‌نویسد از آنجا که رویدادهای جهانی بر سیاست ایران در روزگار نیز تأثیر پر دامنه ای داشت، جنگلیان طبعاً به وضعیت جدید واکنش نشان دادند. از این رو، پس از انقلاب اکتبر، که نگرش انگلیس را سخت تر و اشتهای آن را برای سلطه بر جهان بیشتر کرد، موضع جنگلیان در مقابل دولت تهران تغییر یافت. پس از انقلاب، جنگل انتصاب عین‌الدوله خودکامه به صدارت از سوی شاه را به باد حمله گرفت و نوشت که این نتیجه دسیسه های انگلیس بود که می‌خواست از شر وزرای «میهن دوست» خلاص شود تا بتواند با وزرای فاسدی همچون وثوق و قوام که با رشوه و خیانت ثروتمند شده بودند، کنار آید. این نشریه تشکیل شورای مشورتی سلطنت را که در بین اعضای آن حتی یک سیاستمدار پیدا نمی‌شد، یک سره مردود دانست. (شاکری، ۱۳۸۶: ۹۸).

همین نگرش در «اعلامیه مرکز فدائیان برای استقلال ایران» که ظاهراً کار خود جنگلیان بود، بازتاب یافت (روزنامه جنگل، ۴ بهمن ۱۲۹۶ هـ ش، ۲۳: ۲). این مرکز بی‌تردید متأثر از رویدادهای روسیه بود.

جنگلیان که هنوز ساده لوحانه امیدوار بودند که شاه نسبت به خطراتی که کشور را تهدید می‌کرد هشیار شود، دچار این توهم بودند که وی صرفاً از اوضاع بی‌اطلاع بود (شاکری، ۱۳۸۶: ۹۹).

۱. تعداد اعضا، بعدها تا ۲۸ نفر ارتقاء پیدا کرد که این نوعی تحمیل بر میرزا بود.

هرگز نخواهیم پذیرفت که شخص شاه از اوضاع کنونی کشور آگاه باشد، چه در صورت فروپاشی کشور، شاه که وابستگی بیشتری از دهقان دارد، در نتیجه پیش از آنان در معرض خطر قرار خواهد گرفت (روزنامه جنگل، ۳ اسفند ۱۲۹۶ هـ.خ، ش ۲۷: ۱).

آنان در پایان این یادداشت متین هشدار دادند که درباریان مردم را از شاه دور و جدا نگاه داشته بودند. اما جنگلیان با روشن شدن حقایق و پس از رویارویی های نظامی با انگلیسیان در تابستان ۱۲۹۷ ایمان خود را به شاه اگر نه سلطنت، از دست دادند و از حق مردم در بر کناری شاه همچون در فرانسه و روسیه، یا حتی در ایران که جد پدری احمدشاه (ناصرالدین شاه) در ۱۲۷۹ با گلوله از سر برداشته شد، سخن به میان آوردند (شاکری، ۱۳۸۶: ۹۹).

روزنامه جنگل به ایرانیان می گفت که نتیجه جنگ بزرگ هر چه باشد نباید انتظار تغییرات مهمی در مصایب و نگون بختی خود را داشته باشند، مگر آن که بپا خیزند و از «حرمت تاریخی» شان دفاع کنند و «گذشته شکوهمند» خود را باز گردانند.

«جنگل» در پاسخ به اتهامات مرتجعان در تهران، اعلام کرد که اتحاد اسلام همیشه به قوانین مجلس و نیز قوانین مدنی و نظامی کشور احترام می گذاشت و افزود که جنگلیان با جمع آوری مالیات هرگز قوانین ایران را نقض نکرده بودند (شاکری، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

یادآوری می شود که روزنامه جنگل به تبع سیاست کلی جنگل علاوه بر تأکید بر ارزش نمادین و ارزش تاریخی سلطنت، از دولت های تشکیل شده بعد از مشروطیت ایران به نسبت نزدیکی و دوری اعضای کابینه به آرمان های آن، دفاع می کرده است.

آغاز انتشار روزنامه کم و بیش با معرفی دولت محمدعلی خان علاء السلطنه هم زمان بود. ظاهراً مجریان روزنامه با درج اسامی وزرا از تشکیل چنین کابینه ای خشنود بودند. اهمیت موضوع برای هیئت اتحاد اسلام به گونه ای بود که مدرسه کسما موسوم به مدرسه اسلامی به مناسبت معرفی هیئت وزرا جشنی برگزار کرد:

وقتی که خبر تشکیل کابینه جدید ملی به ریاست حضرت اجل اعظم پرنس علاء السلطنه و عضویت وزرای وطن پرست مفاصله الاسامی ذیل در کسما شهرت پیدا کرد ... تمام شاگردان زنده باد ممتد و طولانی کشیدند (روزنامه جنگل، ۲ خرداد ۱۲۹۶ هـ.خ، ش ۲: ۷).

آنچه توجه جنگلی ها را به این موضوع جلب می کرد این بود که کم و بیش تمامی افراد این کابینه براساس طبقه بندی روزنامه از رجال خوب و خادم، از افراد خوشنام و مفید به حال کشور محسوب می شدند.

این ایرانی است که امروز فقط در مرکز وطن و پایتخت امثال پرنس
علاء السلطنه، مستوفی الممالک، مشیرالدوله، موتمن الملک، مستشارالدوله و...
چندین نفر دیگر رجال محبوب ملت ... را دارد که به تفاوت مراتب ایران به
وجود آنها افتخار دارد (جنگل، ۴: ۲).

تا زمانی که بحث ترمیم کابینه مطرح شد، دلبستگی روزنامه به عملکرد و حسن نیت
اعضای این دولت ادامه یافت. تمجید روزنامه از عملکرد آن مشهود است:
در کابینه حاضره اشخاص فعالی وجود دارند مثل آقای مستوفی الممالک که
تحصیل کرده فرانسه و آقای مشیرالدوله و موتمن الملک که در روسیه دوره
دارالفنون را دیده اند و آقای حاج محشتم السلطنه که شخص کاردان و غیرت مندی
است (جنگل، ۹ الف: ۴).

تعلق خاطر به این اعضا سبب شد تا جنگلی ها تابعیت محض خود را از دولت
اعلام کنند:

مقصود ما از تمام فداکاری ها آن است که تمام گیلان از دل و جان مطیع و
منقاد اوامر واجب الاطاعه دولت باشند و گیلان اولین نقطه باشد که در صحت
عمل و درستکاری سرمشق سایر ایالات و ولایات باشد (جنگل، ۶ الف: ۷).

تعلق خاطر جنگلی ها به مستوفی الممالک باعث آمدن تا در دوره رئیس الوزرای
علاء السلطنه نیز روی سخن روزنامه با مستوفی باشد. بالاخره علاء السلطنه ناگزیر
تغییراتی در کابینه پدید آورد و قوام السلطنه را که سخت مورد تنفر جنگلی ها بود برای
پست وزارت داخله در نظر گرفت. در نظر جنگلی ها قوام السلطنه و برادرش
وثوق الدوله بسیار بدنام بودند. به نظر روزنامه رجوع می شود:

کابینه محبوب ما پس از یک رشته تزلزل و بحرانی که عموم علاقه مندان به این آب
و خاک را تهدید به انحلال می کرد علی رغم آمال وطن خواهان و مطابق آرزوی بدبینانی
که لزوم ترمیم کابینه را به انواع سفسطه و لجاج جاهلانه ثابت می کردند، بالاخره به
عضویت یک عضو فاسد (قوام السلطنه) اصلاح گردید (جنگل، ۱۷: ۱).

پیش بینی روزنامه این بود که این کابینه به سبب رفتار قوام السلطنه در نهایت سقوط
خواهد کرد (همان: ۴) و دیدیم که کابینه علاء السلطنه پس از ورود قوام به کابینه بیش از
یک ماه دوام نیاورد و در صفر همان سال سقوط کرد.

موضع روزنامه در قبال کابینه بعدی یعنی کابینه عبدالمجید خان عین الدوله مؤید این
سخن است که روزنامه جنگل، با شناختی که از رجال ایران داشت، تحلیل خود را ارائه می داد:
کابینه آقای عین الدوله با اعضای متباین المعیده و اشخاص متخالف السلیقه

تشکیل گردید رشادت کدام دست، قدرت و مهارت کدام استاد ماهر جمع
بین الاضداد نمود ... آیا یک همچو کابینه مختلط می تواند دردهای ما را دوا نماید
(روزنامه جنگل، ۱۸ آذر ۱۳۹۶ هـ.خ، ش ۱۹: ۱).

در ادامه اشاره می کند که چون دو عنصر صحیح و فاسد نمی توانند برخلاف مسلک
خود رفتار کنند و تغییر ماهیت دهند باید:

منتظر باشیم که بحران های پی در پی شروع گشته و این مملکت محتاج ما هم تا
چندی متزلزل و محروم از اصلاحات لازم گردد (همان).
تحلیل و برداشت جنگلی ها در این مرحله نیز مصداق یافت؛ زیرا عمر این دولت به
پنجاه روز نرسید و ساقط شد.

علاوه بر مواضع روزنامه نسبت به ساختار هیئت وزراء، مطالبات جنگلی ها از دولت
وقت هم در مقالات متعدد روزنامه بیان شده است. به نظر می رسد عمده خواست های
جنگل از کابینه ها شامل برگزاری سریع انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی،
حذف عناصر فاسد و وابسته، خلع حکام ستمگر و تعیین حکام درستکار برای ایالات و
ولایات می شد (جنگل، ۱: ۲).

در اکثر شماره های روزنامه بر انجام انتخابات مجلس تأکید شده است. در اولین
شماره می خوانیم: آری اولین قدمی که برای حسن جریان انتخابات لازم بوده و
می باشد، همانا تغییر حکام و رؤسای سابق و سلب اقتدارات غیرمشروع ایشان می باشد
(جنگل، ۱: ۲).

تأکید و اصرار بر انتخابات، در گوشه گوشه شماره های روزنامه ادامه دارد:
اگرچه هیئت دولت متبوع ما به وظایف خود آگاه و خیرند لکن برای ضیق
وقت استدعای فدویان آن است هر چه زودتر ... برای شروع به انتخابات وکلای
مجلس مقدس هم که قلوب ایرانیان تشنه آن است توجهی فرمایند (جنگل، ۶
الف: ۷).

البته به نظر می رسد جنگلی ها مجلس را مانعی برای انعقاد قراردادهای تحمیلی بعد
از جنگ جهانی می دانستند و اهمیت آن را در نظارت بر اعمال دولت به خوبی می فهمیدند:
اینک با اندامی مرتعش دورادور منظره یأس و ناامیدی را مشاهده می کنیم که
آیا هنگام صلح ما هم دارای پارلمان خواهیم شد که قادر به استفاده باشیم؟ آیا در
ردیف ملل حیه به شمار خواهیم رفت؟ آیا از آن نمند به ما کلامی خواهد رسید؟
(جنگل، ۱۰: ۴).

در نوع انتخاب نمایندگان و ذکر معیارهای آن نیز، روزنامه حرف‌هایی در جهت اصلاح امور داشت:

لازم به شرح نیست که این دوره چهارم تقنینیه حیات و ممات ملت ایران فقط بسته به وکلا و نمایندگان است که تعیین می‌نماییم. اگر چشم و گوش خود را باز نموده گول طرازان و عوام‌فربیان را نخوریم ممکن است موفق به تعیین نمایندگان صادق و صحیح‌العمل شویم (جنگل، ۳: ۴).

عبدالله متولی می‌نویسد:

این مطالبات که به اشکال و قالب‌های گوناگون مطرح می‌شد در بیشتر مواقع قرین توفیق نبود، یا به تعویق می‌افتاد. در مواردی نیز جنگلی‌ها به سبب ناهمخوانی حکام منصوب دولت با معیارهای مورد نظرشان از پذیرش آنها سر باز می‌زدند. هر چند مطالباتی که جنگلی‌ها در قالب مکتوبات و تلگراف‌هایی به مرکز ارسال می‌کردند بعضاً مبهم و آشفته بود، در مواردی از دقت و تیزبینی آنها حکایت می‌کند و نشان‌دهنده آن است که برخی از نقایص و کاستی‌های موجود را به خوبی درک کرده بودند. آنها در این نوشته‌ها بارها دولت را به اصلاحات ترغیب کردند، اما معنای دقیقی از مفهوم اصلاحات را ارائه نکردند. شاید به همین سبب رفتار آنها در مرکز باخوش‌بینی نگریسته نمی‌شد و بیش از آن‌که گروهی مصلح تلقی شوند جنبه‌های خودسری و نافرمانی آنها نمایانده می‌شد (متولی، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

یادآوری متون روزنامه جنگل و انتخاب هدفمند آنها را که در جهت بررسی درستی فرضیه تحقیق انجام می‌گیرد، می‌توان ادامه داد. در این تحقیق به بازخوانی متن بسنده نشده، بلکه روی واژه‌های ایران، مردم، ملت ایران، دولت خارجی، شاه، مشروطه، مجلس، انتخابات، اصلاحات، استقلال، عدالت، آزادی، آزادی خواهان، دموکراسی، دموکرات، و صلح تمرکز شده است. به دلیل این که مجموعه روزنامه‌ها در اینترنت در دسترس نمی‌باشند، طبیعی است به دنبال واژه‌های بالا، هر شماره روزنامه به دقت بازخوانی شده و واژه‌ها شمارش شده‌اند.

نتایج حاصل از این تحلیل محتوای کمی، بسیار به تحلیل کیفی که از بررسی متون روزنامه‌های جنگل عاید شده بود، نزدیک است. این اطلاعات در جداول مختلف نشان داده شده و در اینجا مختصر تحلیل آماری از آنها به عمل می‌آید:

واژه «ایران» در مجموع بالاترین فراوانی را نشان می‌دهد. در مجموع ۳۶ شماره در دسترس روزنامه جنگل، و در هر یک از شماره‌ها، به استثنای شماره ۳ و شماره ۵ که

کلمه «مردم» بیشتر استفاده شده است، در سایر شماره‌ها کلمه «ایران» کماکان در صدر است. اگر به متن مراجعه کنید، نشان داده شده است که تأکید بر کلمه «ایران» و نوع استفاده‌اش در جمله و در آن تاریخ به خصوص و با توجه به تقارن زمان نوشتن آن مقالات با حوادث مختلف جنگل، تماماً حاکی از تأکید گردانندگان روزنامه بر ایرانیت است و «ایران یکپارچه» همواره مورد حمایت و تأکید قرار گرفته است. در جدول ۱ فراوانی واژه‌های انتخاب شده به تفکیک در ۳۶ شماره روزنامه جنگل به نمایش درآمده است.

درصد بهره‌گیری روزنامه از واژه ایران ۳۵/۷۳ درصد است که در جدول شماره ۲ به نمایش درآمده است. هم‌چنین نمودار میله‌ای فراوانی کلیدواژه‌ها نیز در مجموع ۳۶ شماره روزنامه جنگل، در نمودار ۱ به نمایش درآمده است.

کلمه «مردم» که مترادف «ملت ایران»، «مردم ایران»، و «ملت ما» استفاده شده، در کل مجموعه روزنامه‌های جنگل ۱۰۱۲ بار تکرار شده و ۲۴/۵۳ درصد کل واژه‌های انتخاب شده را به خود اختصاص می‌دهد.

کلمه «دولت ایران» ۳۴۳ بار تکرار شده و در تمام جملاتی که به کار رفته، با دولت‌های تشکیل شده برخوردارشادی - اثباتی انجام گرفته است و اساساً روزنامه جنگل هیچ‌گونه برخوردار قطعی، شکننده و چالشی با دولت‌های مختلفی که بعد از مشروطه در ایران بر سرکار آمده‌اند، نشان نداده است.

موضع جنگل در مورد دول خارجی روشن است. با زبانی دیپلماتیک با آنها به بحث می‌پردازد و هر جا که منافع ایران اقتضا دارد، با طرح مسائل ایران و میزان دخالت آن دولت در امور ایران، هشدار می‌دهد که ملت تمام‌قد در مقابل اقداماتشان خواهد ایستاد. روزنامه جنگل با واژه «شاه» برخوردار تأییدی قوی دارد و همانگونه که در تحلیل متن نقل شده، بین شاه مشروطه و شاه قبل از مشروطه تفاوت ماهوی قائل است و در شماره‌های مختلف روزنامه گاه و بیگاه، مرتبط و یا بی‌ربط، علائق خود را و احترامات فائقه خویش را نسبت به مقام «شاه» و عمدتاً «احمد شاه قاجار» نشان می‌دهد. ۲۸۲ مرتبه‌ای که از واژه شاه استفاده شده، با درصد ۶/۸۳ در جدول کلیدواژه‌ها مستقر گشته است و گویای این امر است که جنگلی‌ها تضاد اصلی را در استعمار خارجی می‌دیدند و طرح اتهام «ضدیت با سلطنت و دستگاه شاهی» به آنان، اتهامی بی‌مورد است.

در جداولی که فراهم آمده است، با یک نگاه خواننده متوجه نوع حرکت جنگلی‌ها، نوع مواضع آنها و مخالفت‌ها و موافقت‌هایشان می‌شود. در این صورت است که درستی فرضیه این تحقیق مبنی بر عدم تجزیه‌طلبی و استقلال‌خواهی جنگلیان پذیرفته می‌شود.

جدول ۱: توزیعی واژه‌ها به تفکیک ۳۶ شماره روزنامه جنگل

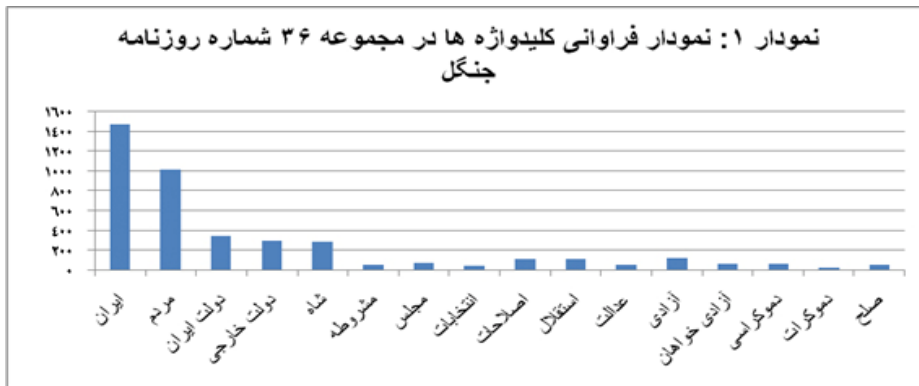
ردیف	ایران	مردم	دولت ایران	دولت خارجی	شاه	مشروطه	مجلس	انتخابات	اصلاحات	استقلال	عدالت	آزادی	آزادی خواهان	دموکراسی	دموکرات	صلح
۱	۳۶	۲۹	۷	۱۱	۶	۳	۵	۱۰	۵	۰	۳	۷	۱	۵	۰	۰
۲	۲۵	۱۴	۸	۱۹	۴	۰	۱	۱	۴	۱	۰	۰	۲	۰	۰	۰
۳	۳۱	۳۵	۱۱	۲	۳	۱	۳	۶	۲	۱	۰	۰	۴	۰	۰	۰
۴	۳۸	۲۷	۴	۱۱	۵	۲	۳	۰	۲	۰	۰	۰	۵	۱	۰	۰
۵	۳۳	۳۵	۹	۰	۸	۲	۴	۳	۳	۱	۰	۵	۰	۰	۱	۱
۶	۳۱	۱۶	۲۲	۱۰	۱	۲	۴	۱	۵	۱	۳	۲	۰	۰	۰	۰
۷	۳۵	۳۵	۱۲	۱۵	۱	۰	۱	۰	۳	۰	۱	۰	۳	۰	۰	۱
۸	۱۵	۱۲	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۶	۰	۰	۰	۱
۹	۳۳	۱۷	۴	۴	۱	۱	۳	۶	۲	۲	۰	۱	۳	۱	۱	۱
۱۰	۳۳	۳۰	۴	۰	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۴	۰	۲	۱	۰	۱
۱۱	۲۲	۲۷	۶	۱۱	۰	۱	۵	۱	۲	۳	۱	۲	۱	۱۱	۰	۰
۱۲	۲۶	۳۳	۸	۲۵	۱	۲	۲	۲	۴	۸	۲	۱	۲	۲	۰	۱
۱۳	۲۲	۳۱	۲۲	۴	۵	۲	۱	۰	۱	۱۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰
۱۴	۳۵	۲۹	۵	۸	۰	۰	۲	۰	۱	۲	۰	۲	۸	۱۱	۸	۰
۱۵	۵۱	۲۷	۳	۱۲	۰	۱	۰	۰	۰	۳	۰	۸	۷	۱۶	۰	۰
۱۶	۳۷	۳۵	۱۲	۱۴	۵	۱	۰	۰	۰	۵	۸	۱	۴	۱	۰	۰
۱۷	۳۳	۲۴	۱۴	۱۰	۱	۱	۱	۰	۱	۴	۰	۱۳	۰	۲	۰	۰
۱۸	۳۵	۳۵	۹	۹	۱۳	۳	۱	۱	۵	۲	۰	۱	۱	۱	۱	۳
۱۹	۳۳	۲۳	۲۲	۴	۹	۲	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۱۶
۲۰	۵۶	۲۴	۶	۳	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲	۱	۰	۰	۰
۲۱	۲۶	۲۴	۸	۳	۱	۰	۰	۱	۵	۲	۰	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲	۷۰	۲۰	۱۲	۲۷	۵	۰	۶	۰	۲	۵	۱	۳	۱	۲	۰	۰
۲۳	۲۴	۴۰	۵	۱۱	۰	۱	۲	۰	۲	۱۲	۱	۱۱	۰	۴	۱	۷
۲۴	۳۸	۲۹	۸	۳	۱	۰	۰	۰	۰	۲	۱	۳	۱	۰	۰	۰
۲۵	۵۷	۱۸	۱۶	۵	۴	۱	۱	۰	۱	۳	۲	۵	۲	۲	۰	۰
۲۶	۱۰۹	۵۸	۱۲	۱۴	۳	۰	۱	۰	۰	۰	۶	۰	۱	۰	۰	۰
۲۷	۲۷	۲۶	۲۲	۱۰	۱۴	۶	۶	۰	۰	۳	۱	۳	۳	۰	۰	۰
۲۸	۲۲	۲۰	۸	۰	۰	۲	۱	۰	۰	۹	۲	۰	۰	۰	۲	۰
۲۹	۳۵	۲۸	۹	۱۴	۱	۱	۰	۰	۱	۴	۰	۷	۲	۱	۰	۱
۳۰	۲۴	۳۳	۷	۸	۶۹	۰	۰	۱	۰	۲	۲	۲	۱	۰	۰	۰
۳۱	۴۰	۳۲	۱۱	۱	۱	۰	۲	۲	۱	۶	۱	۳	۱	۰	۸	۰
۳۲	۱۱	۲۱	۱	۲	۶	۱	۰	۰	۰	۲	۲	۳	۰	۰	۰	۰
۳۳	۲۷	۲۶	۴	۸	۵	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۴	۰	۰	۰	۱۱
۳۴	۱۵	۱۲	۱۰	۰	۱	۰	۳	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۵	۲۵	۴۰	۲۰	۰	۳۰	۳	۲	۰	۰	۷	۴	۳	۰	۰	۰	۰
۳۶	۶۳	۲۷	۳	۷	۱۳	۵	۷	۰	۷	۱	۳	۸	۳	۰	۰	۱
جمع کل	۱۶۱۴	۱۰۱۲	۳۳۳	۲۹۷	۲۸۲	۴۶	۶۸	۳۹	۱۰۸	۱۰۵	۲۷	۱۲۱	۵۵	۶۰	۳۳	۲۵



جدول ۳: فراوانی کلید واژه ها در مجموعه شماره

های روزنامه جنگل			
شماره	موضوع	تعداد	درصد
۱	ایران	۱۴۷۴	۳۵.۷۳٪
۲	مردم	۱۰۱۲	۲۴.۵۳٪
۳	دولت ایران	۳۴۳	۸.۳۱٪
۴	دولت خارجی	۲۹۷	۷.۲۰٪
۵	شاه	۲۸۲	۶.۸۳٪
۶	مشروطه	۴۶	۱.۱۱٪
۷	مجلس	۶۸	۱.۶۴٪
۸	انتخابات	۳۹	۰.۹۴٪
۹	اصلاحات	۱۰۸	۲.۶۱٪
۱۰	استقلال	۱۰۵	۲.۵۴٪
۱۱	عدالت	۴۷	۱.۱۳٪
۱۲	آزادی	۱۲۱	۲.۹۳٪
۱۳	زادی خواهان	۵۵	۱.۳۳٪
۱۴	دموکراسی	۶۰	۱.۴۵٪
۱۵	دموکرات	۲۳	۰.۵۵٪
۱۶	صلح	۴۵	۱.۰۹٪

نمودار ۱: نمودار فراوانی کلیدواژه ها در مجموعه شماره روزنامه جنگل



یافته‌های تحقیق

ایدئولوژی جنگلی‌ها، برخاسته از و تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم بر «اتحاد اسلام» بود. البته جنگلی‌ها نسل دوم اتحاد اسلام بودند که در حقیقت ادامه‌دهندگان راهی بودند که سیدجمال‌الدین اسدآبادی آغاز کرده بود. سید نیز با هدف نزدیکی اقشار مختلف مسلمانان سراسر جهان به حکومت عثمانی نزدیک شد، ولی بعدها به نیت واقعی آنها پی برد و در این راه به باور مورخین بسیاری، توسط دربار عثمانی مسموم شد. جنگلی‌ها عملاً هیچ‌گونه دل‌باختگی به عثمانی نداشتند و به شاه آن امیدی نبسته بودند. آنها در روزنامه جنگل کراراً این مواضع را گوشزد کرده‌اند و بر آن تأکید داشتند. در واقع جنگلی‌ها از پشتیبانی تجار و مالکانی هم برخوردار بودند که تمایلات ناسیونالیستی داشتند. حاج احمد کسمایی، از نخستین متحدان او که مبارزه را با او آغاز کرده بود، تاجر ابریشم بود (شاکری، ۱۳۸۶: ۸۵). حتی پس از جدایی کسمایی، اعدام دکتر حشمت و فروپاشی سازمان اتحاد اسلام نیز، رویه میرزا کوچک در ائتلاف با همه طبقات عوض نشد. در شامگاه اعلام دولت انقلابی که با حضور سران جنگل، بلشویک‌های روسی و کمونیست‌های ایرانی تشکیل شده بود: «کوچک‌خان که در منزل یکی از تجار سرشناس رشت به افطاری دعوت داشت، به حاضران اطمینان داد که وی از اموال، زندگی، حرمت و مذهب مردم، فارغ از وابستگی‌های محلی یا مذهبی‌شان دفاع خواهد کرد» (شاکری، ۱۳۸۶: ۲۸۱). و این در حالی بود که بلشویک‌های عضو دولت انقلابی تازه تأسیس به پیروی از نظریات سلطان‌زاده که یک «بلشویک خالص» بود، به تضاد طبقاتی نیز وزنی همسنگ تضاد با استعمار داده و بر آن بودند که همزمان علیه خان‌ها و زمین‌داران بزرگ نیز مبارزه کنند (شاکری، ۱۳۸۶: ۲۰۰).

میرزا کوچک‌خان پس از ماجرای تسلیم و اعدام دکتر حشمت و گرفتاری یارانش، نامه‌ای به «کیسکا چینکوف» رئیس اتریاد تهران نوشته و مهم‌ترین سندی که برخی پژوهشگران با استناد به آن معتقدند میرزا قبل از ورود بلشویک‌ها خیال براندازی قاجاریه را داشته است، همین نامه است. میرزا در این نامه نوشته است: «انقلابات امروزه دنیا ما را تحریک می‌کند که مانند سایر ممالک در ایران اعلام جمهوریت داده و رنجبران را از دست راحت‌طلبان برهانیم». این در حالی است که برای قضاوت درباره منظور میرزا بهتر آن است که جمله همراه جملات بعدی و قبلی آن خوانده شود. میرزا می‌نویسد:

در قانون اسلام مدون است که کفار وقتی به ممالک اسلامی مسلط شوند، مسلمین باید به مدافعه برخیزند، ولی دولت انگلیس فریاد می‌کشد که من اسلام و

انصاف نمی‌شناسم، باید دولت‌های ضعیف را اسیر آرزو و کشته مقاصد مشنوم خود سازم. انقلابات امروزه دنیا ما را تحریک می‌کند که مانند سایر ممالک در ایران اعلام جمهوریت داده و رنجبران را از دست راحت‌طلبان برهانیم و لیکن دریایان تن در نمی‌دهند که کشور ما با قانون مشروطیت از روی مرام دموکراسی اداره شود. با این ادله وجدانم محکوم است در راه سعادت کشورم سعی کنم، گو آن‌که کرورها نفوس و نوامیس و مال ضایع شود. در مقابل، جوابی را که موسی به فرعون و محمد به ابوجهل و سایر مقننین و قانددین آزادی و روحانی در محکمه عدل الهی می‌دهند، من هم می‌دهم (فخرایی، ۱۳۵۱: ۲۱۹).

میرزا با استناد به قانون اساسی مشروطه و ارائه شواهدی از تاریخ اسلام، مشروعیت حرکت خودجوش برای مبارزه با استعمارگران را نشان می‌دهد و در این نامه تأکید کرده است و هشدار نسبت به فضای رادیکال بین‌المللی می‌دهد که می‌تواند تمایل به انقلاب را در ایرانیان گسترش دهد و اعلام دوباره راهبرد جنگل که همان اجرای قانون اساسی مشروطه و تأمین استقلال کشور است.

نتایج تحقیق

۱- نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی در شرایطی مراحل تکوین را گذراند که کشور در تب و تاب و هیجانات ناشی از تبعات انقلاب مشروطیت ایران می‌سوخت. کودتای محمدعلی شاه و به توپ بستن مجلس، خود مخلّ هر آرامشی می‌شد که می‌رفت تا با تدوین قانون در کشور، بالنسبه ایجاد شود.

۲- جنبش کوچک‌خان، قبل از آن‌که از نظریات رایج در جامعه‌شناسی سیاسی و انقلاب‌ها تبعیت کند، بر موجی سوار شد که زمینه‌های تاریخی بی‌شماری داشت. سهمگین‌ترین این امواج، اشغال طولانی مدت گیلان توسط ارتش تزاری بود که سونامی حاصل از این زلزله، زندگی و حیات و ممات مردم این سرزمین را که عمدتاً کشاورز بودند تحت تأثیر خود قرار داد.

۳- گیلانی، از قدیم‌الایام به زمین وابسته بود و چشم به نزولات آسمانی داشت و گوش به فرمان ارباب و تابع امنیت محیط. هرگاه زمین یاری می‌داد و آسمان معاونت داشت و حکام و اربابان امنیت نسبی را ایجاد می‌کردند، دهقان گیلانی، سرخوش از این سه نعمت که برایش بزرگ‌ترین نعمات بود، محصول خوب برمی‌داشت و برای هزینه تهیه جهیزیه دختران و یا سفر به مشهد مقدس و پابوسی امام رضایش و یا صلّه رحم و رفتن به روستاهای مجاور، مشکلی نداشت. اما در مواقعی که این هر سه نعمت غایب

بود و یا یکی از آنها را در اختیار نداشت، یک پایش می‌لنگید و چشم به راه سلف‌خرها و نزول‌خورهای شهری داشت که هر از چندگاه به ده می‌آمدند و با معامله محصولات به در نیامده و آماده شده برنج و چای و ابریشم به ثمن بخش مقداری از نگرانی دهقانان را در کوتاه‌مدت رفع می‌کردند.

۴- نهضت جنگل سربازانش را عمدتاً از کشاورزان بی‌پناه و زیر سلطه اجنبی و اربابان، استخدام می‌کرد ولی گروه‌های شهری و نسبتاً درس خوانده و مطلع از اوضاع جهان و ایران نیز، جنگل را یاری می‌دادند.

۵- نهضت جنگل مانند هر حرکت دهقانی و نهضت و جنبش و جوشش و اعتراض اجتماعی، دفعتاً آغاز نشد و به اصطلاح در یک فرآیند تاریخی با مختصات گیلان و ایران به عرصه رسید. درست است که این جنبش را نیز می‌توان فرآورده و محصول انقلاب مشروطیت ایران دانست که به سرانجامی نرسیده بود. انتظار ایرانیان و به تبع آن گیلانیان که در به ثمر رسیدن انقلاب مشروطیت ایران سهم بسزایی داشتند، برقراری نظم و امنیت و به سامان رساندن اوضاع مملکت بی‌سامان و مهم‌تر از همه، اجرای قانون و رفع تبعیض در تمام زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بوده است که متأسفانه جامعه احساس می‌کرد که به این اهداف اولیه خود از انقلاب نرسیده است و به همین دلیل منشاء حرکت‌های بعدی شد که داستان جنگل، یکی از آن قصه‌های پردردی است که به مدت هفت سال متوالی گیلان را در مسیر انقلاب و آتش و خون پیش برد و گاهی به مقاصد مقطعی نیز دست یافت.

۶- آغاز نهضت مواجه شد با آغاز جنگ اول جهانی که این خود نیز مزید بر علت‌های دیگری شد تا تاب تحمل میهن‌دوستان و عاشقان ایران و وارثان قهرمانان را به سر آورد و از همان آغاز حرکت، سعی در اتحاد و اتفاق همه اقشار صورت گرفت و آن‌گونه که استناداتی شده است، میرزا کوچک خان، رهبر جنبش جنگل، علی‌رغم خواسته دهقانان بی‌پناه و برخی روشنفکران که به نهضت پیوسته بودند، از چپ‌روی و طرح شعارهایی که زمینه عمل و اجرا نداشتند پرهیز می‌کردند و مرحله اول جنبش با وجود تضادهای مختلف داخلی، در نهایت همکاری و معاضدت سپری گشت. در این مرحله، جنبش بارها با نمایندگان دولت مرکزی به مذاکره نشست و همان‌طور که از تحلیل محتوای روزنامه جنگل دریافت گردیده است، تأکید بر واژه‌هایی از قبیل حقوق مردم، سلطنت قاجار، استقلال ایران، اجنبی ستیزی، امپریالیسم، آزادی و حکومت مردم، نشان‌دهنده اولاً: روند کلی حرکت جنگل‌ها بود و ثانیاً: پاسخ به آنهایی که برای از

میدان به در کردن جنگل به انواع تهمت‌ها از جمله تجزیه‌طلبی، ضدیت با خاندان سلطنت و... متهم‌شان می‌کردند. میرزا تضاد اصلی جنبش را در رابطه با «اجنبی» می‌دانست و با تدبیر از طرح تضادهای دیگر ابا داشت.

۷- به تبع نزدیکی عوام در برهه‌های نفس‌گیر از تاریخ جنبش، مشکلات عدیده‌ای بروز می‌کرد. تبلیغات سوء بزرگ‌مالکان و اربابان و اعوان و انصار حکومت و عناصر ذی‌نفوذ محلی از دو سو، دهقانان را به شک و تردید در اهداف جنبش و آینده آن وا می‌داشت: از یک‌سو از دست دادن عزیزان و مصائب ناشی از آن بر گرده‌شان سنگینی می‌کرد و از سویی دیگر، احتمال خطرهای زیادتر و حمله نیروهای حکومتی و ترس از چپاول و غارت، وادارشان می‌کرد تا عناصری از آنها دست به انواع خیانت بزنند و عشق و مهرشان را به جنبش فراموش کنند. زیرا دشمنان جنبش تبلیغ می‌کردند که میرزا کوچک خان یک یاغی است و بر این گفته ناراست، اصرار داشتند. چهره یاران جنگل را مسخ می‌نمودند و چون مانند خودشان نمی‌توانستند آنها را به کثافت‌کاری وادارند، از نجاست رفتار خویش بر آنها می‌مالیدند و این خود عاملی است که در سر فصل‌های حرکت‌های مردمی در پیچ‌های پرتلاطم جنبش‌های ایران، همواره مانع و رادع عظیمی بوده است.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۹)؛ *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲)؛ *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- آوری، پیتز (۱۳۷۷)؛ *تاریخ معاصر ایران*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، جلد ۱، تهران: انتشارات عطایی.
- اتسلندر، پیتز (۱۳۷۱)؛ *روش های تجربی تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه بیژن کاظم زاده، تهران: انتشارات آستان قدس.
- بارون، لورنس (۱۳۷۸)؛ *تحلیل محتوا*، ترجمه محمد یمنی، تهران: سروش.
- براون، ادوارد (۱۳۳۸)؛ *انقلاب ایران*، ترجمه احمد پژوه، تهران: کانون معرفت.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)؛ *انقلاب و سیخ اقتصادی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضوانی، روح الله (۱۳۸۹)؛ *فصلنامه خانه پژوهش*، تهران: ش ۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)؛ *روش های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۶)؛ *میلاذ زخم*، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران: اختران.
- ضرغام بروجینی، جمشید (۱۳۵۰)؛ «میرزا احمدخان مشیرالسلطنه»، تهران: *نشریه ادبیات و زبان ها*، ش ۹۳.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۰)؛ *نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار*، تهران: جاویدان.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۶۲)؛ *سردار جنگل*، تهران: جاویدان.
- فوران، جان (۱۳۷۷)؛ *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- فیکو، فردریک جی. و رایف، دانیل و لیبی، استفان (۱۳۸۱)؛ *تحلیل پیام های رسانه ای - کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق*، ترجمه مهدخت بروجردی، تهران: سروش.
- کسروی، احمد (۱۳۸۰)؛ *تاریخ مشروطه*، تهران: صدای معاصر.
- کیمپاس، دیوید (۱۳۸۱)؛ *روش های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه فاضل لارجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.
- متولی، عبدالله (۱۳۹۰)؛ *رویکرد و نگرش های اساسی در روزنامه های جنگل*، تهران: *نشریه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، شماره ۲، صص ۹۵-۱۱۵.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۸۱)؛ *مجموعه اسناد جنگل*، رشت: انتشارات شورای شهر.
- مصدق، محمد (۱۳۶۷)؛ *خاطرات و تالماط دکتر محمد مصدق*، تهران: علمی.
- ناش، کیت (۱۳۹۱)؛ *جامعه شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
- نعمتی لیمائی، امیر (۱۳۸۹)؛ *مجموعه روزنامه های جنگل*، مشهد: امید مهر.
- نعیمی، عباس (۱۳۹۱)؛ *جریان شناسی سیاسی جنبش جنگل*، تهران: چاپخش.
- یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۸۲)؛ *تأملات تنهایی، دیباچه ای بر هرمنوتیک*، تهران: سرایی.

